





دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه آموزشی فلسفه تعلیم و تربیت

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

عنوان:

بررسی فلسفه فناوری اطلاعات در تربیت از دیدگاه نظریه پردازان معاصر

انتقادی تعلیم و تربیت

باتاکید بر برنامه درسی پنهان

استاد راهنما:

دکتر سعید ضرغامی

دانشجو:

نصیبه تاری

تیر 1392

پیشکش به

امام زمانم

مهربانی چشم های پدرومادرم

وهمراهی های دلسوزانه همسرم

که دشواری راه را بر من هموار نمودند.

حمد و سپاس خدای رحمان را که به من لیاقت بندگی بخشید و افتخار قدم زدن در مسیر دانش را ارزانی داشت.

سپاس بی نهایت از جناب آقای دکتر سعید ضرغامی، راهنمای بزرگووارم که صادقانه و بی تکلف، آهسته آهسته الفبای روشن باران را به کویر تشنه ی ذهنم آموختند و به جرات از سخاوت و تلاش و بی پیرایگی شان بسیار درس گرفتم.

سپاس و تشکر بی پایان از جناب آقای دکتر اکبر صالحی، استاد محترم مشاورم که در تمامی مراحل پژوهش مشوقم بوده اند و دلسوزانه و بی دریغ یاریم رسانده اند.

و سپاس از همه اساتید ارجمند دانشگاه دکتر یحیی قانعی، دکتر علیرضا محمودنیا، دکتر رمضان برخورداری و دکتر سوسن کشاورز که تا ابد به شاگردیشان خواهم بالید و در طی این دو سال، بهره ای از میراث گرانبهای دانایی و فرزانی خویش نصیبم ساختند.

چکیده:

هدف پژوهش بررسی فلسفه فناوری اطلاعات در تربیت از دیدگاه نظریه پردازان معاصر انتقادی تعلیم و تربیت با تاکید بر برنامه درسی پنهان است. روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیل تطبیقی و قیاس عملی است که از رویکردهای پژوهش کیفی می‌باشند. براساس یافته‌های پژوهش، ماهیت فناوری اطلاعات از دیدگاه نظریه پردازان انتقادی خنثی نبوده، بلکه دارای ماهیت هنجارین می‌باشد. به گونه‌ای که نظریه پردازان بازتولید بر نقد سیاسی اقتصادی فناوری اطلاعات تاکید دارند ولی نظریه پردازان مقاومت بر نقد جامعه شناسانه فناوری اطلاعات تمرکز کرده‌اند و معتقدند نکته‌ای که نظریه پردازان بازتولید به آن توجه نکردند بر نقش اساسی انسان در ایجاد تحول و تغییر در نظام آموزشی است و بر پرورش بینش انتقادی تاکید دارند. لذا، منکر اثرات مثبت فناوری‌ها در نظام آموزشی نیستند بلکه معتقدند اگر در به کار بردن فناوری‌ها فقط محدود به چگونگی بهره‌گیری از آنها شویم منطق فنی نظام تربیتی را در بر می‌گیرد و رفتار و عمل فراگیران قلمرو تعلیم و تربیت رنگ و بوی فناورانه به خود می‌گیرد. از نظر فلاسفه انتقادی آنچه موجب نگرانی است این است که انسان تحت سلطه پنهان آن قرار گیرد. زیرا فناوری‌ها صرفاً مجموعه‌ای از ماشین‌ها و نرم افزارهای همراه آن نیستند بلکه در بردارنده شکلی از اندیشه هستند که نگرش فرد را در برابر جهان، جهت می‌دهند. همچنین فناوری‌های نوین نه تفکر و دانش است و نه ابزاری برای ارزشیابی دانش، بلکه شکل دیگری از رفتار انسانی است که می‌تواند توسط او مورد انتقاد قرار گیرد. در نتیجه با وارد سازی فناوری اطلاعات به آموزش، رسالت معلمان، یعنی تشویق دانش آموزان به تفکر همچنان بایستی باقی بماند. در نتیجه گیری برخی تلویح‌های کاربردی چون الف- گنجاندن سواد انتقادی - اجتماعی در برنامه درسی. ب- باز اندیشی نقش معلم از متخصص به روشنفکر متخصص توصیه شده است.

واژگان کلیدی: فناوری اطلاعات، نظریه انتقادی، آموزش و پرورش

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول کلیات تحقیق	
2	1-1- بیان مساله
7	2-1- اهداف پژوهش
7	3-1- سوال های پژوهش
8	4-1- تعریف عملیاتی مفهوم ها
8	5-1- ضرورت واهمیت انجام پژوهش
فصل دوم- مبانی نظری وپیشینه تحقیق	
13	1-2- مقدمه
13	2-2- مفهوم واژه ی انتقادی
14	1-2-2- تعریف نظریه انتقادی
14	2-2-2- مبانی فلسفی نظریه انتقادی
15	3-2-2- مفاهیم اساسی نظریه انتقادی
18	3-2- نظریه پردازان انتقادی
18	1-3-2- ماکس هورکهایمر
20	2-3-2- تئودور آدرنو
22	3-3-2- هربرت مارکوزه
23	4-3-2- هابرماس
27	4-2- نظریه پردازان انتقادی تعلیم و تربیت
27	1-4-2- پائولو فریره
30	2-4-2- پیتر مک لارن

32 3-4-2-3 مایکل اپل
34 1-3-4-2 برنامه درسی ونظریه بازتولید
35 2-3-4-2 ایدئولوژی وبرنامه درسی
37 3-3-4-2 نژاد، طبقه، جنسیت وهویت
39 4-4-2 هنری ژيرو
40 1-4-4-2 نظریات تربیتی ژيرو
49 2-4-4-2 نقش معلمان در تعلیم وتربیت انتقادی ژيرو
49 3-4-4-2 نقش مدارس در تعلیم وتربیت انتقادی ژيرو
51 5-2 مفهوم برنامه درسی
51 1-5-2 جایگاه برنامه درسی در نظریه انتقادی
53 2-5-2 مفهوم برنامه درسی پنهان
55 3-5-2 عوامل شکل گیری برنامه درسی پنهان از دیدگاه نظریه پردازان انتقادی تعلیم وتربیت
56 4-5-2 تحقیقات انجام شده درباب برنامه درسی پنهان
59 5-5-2 رویکردهای برنامه درسی پنهان
61 6-2 مفهوم فناوری
62 1-6-2 مفهوم اطلاعات
63 2-6-2 مفهوم فناوری اطلاعات
64 3-6-2 فلسفه فناوری
65 4-6-2 نظریه های مطرح در مورد فناوری اطلاعات
68 5-6-2 فلسفه اطلاعات
70 6-6-2 فلسفه فناوری اطلاعات وارتباطات

- 72 2-6-7-دیدگاه‌های فلسفی درباره نسبت فناوری اطلاعات با تعلیم و تربیت
- 74 2-7-دیدگاه نظریه پردازان انتقادی تعلیم و تربیت در مورد فناوری و فناوری آموزشی
- 81 2-8-پیشینه پژوهش
- 88 2-9-جمع بندی

فصل سوم-روش تحقیق

- 93..... 3-1-مقدمه
- 93..... 3-2-مراحل و روش اجرای پژوهش
- 96 3-3-روش جمع آوری اطلاعات

فصل چهارم-یافته های پژوهشی

- 99 4-1-مقدمه
- 99 4-2-پاسخ به سوال اول
- 99 4-2-1-چیستی فناوری اطلاعات در تعلیم و تربیت از دیدگاه نظریه پردازان انتقادی معاصر
- 103..... 4-2-1-1-نظریه بازتولید
- 106..... 4-2-1-2-فناوری اطلاعات در آموزش به عنوان ایدئولوژی بازتولید
- 109 4-2-1-3-انتقاد از فناوری اطلاعات در مقام ایدئولوژی
- 109 4-2-1-3-1-فناوری اطلاعات در نظام آموزشی فقط موضوعی فنی نیست
- 110..... 4-2-3-1-غالب شدن منطق فنی بدون در نظر گرفتن جنبه های هنجاری فناوری اطلاعات
- 111 4-2-3-3-مفهوم سواد کامپیوتری به عنوان سرمایه فرهنگی
- 115 4-2-2-علل به کارگیری فناوری اطلاعات در نظام آموزشی از دید نظریه پردازان انتقادی معاصر

4-2-2-1-اهداف به کارگیری فناوری اطلاعات در نظام آموزشی از دیدگاه

- 116 نظریه پردازان انتقادی معاصر
- 116 4-2-2-1-1-حفظ قدرت نظام سرمایه داری
- 117 4-2-2-1-2-اهداف سیاسی و اقتصادی
- 118 4-2-2-1-3-عدم توازن اجتماعی
- 119 4-2-2-1-4-از بین بردن نقش معلمان و تبدیل مدارس به بازار مصرف برنامه های درسی
- 3-4-استلزامات بکارگیری از فناوری اطلاعات در برنامه درسی بر مبنای دیدگاه نظریه پردازان انتقادی
122 معاصر
- 127 4-3-1-رهنمود کلی (1)پروورش سواد اجتماعی انتقادی در تدوین برنامه های درسی
- 129 4-3-1-1-رهنمود جزئی (1)توجه به گفتمان اجتماعی انتقادی با یکدیگر
- 131 4-3-1-2-رهنمود جزئی (2)ضرورت توجه به نقش فعال فراگیر در محیط آموزشی
- 133 4-3-2-رهنمود کلی (2)تغییر نقش معلم از متخصص به روشنفکر متخصص
- 136 4-3-2-1-رهنمود جزئی (1)تقدم پرسش از چرایی پارادایم فناورانه بر چگونگی پارادایم فناورانه
- 137 4-3-2-2-رهنمود جزئی (2)برگرفتن نگرش فرهنگی و نقد جامعه شناسانه فناوری اطلاعات
- 4-3-2-3-رهنمود جزئی (3)به کارگیری از فناوری اطلاعات در نظام آموزشی به عنوان تسهیل کننده فرایند
آموزش 138

فصل پنجم-نتیجه گیری

- 142 5-1-مقدمه
- 142 5-2-جمع بندی پاسخ به سوال های پژوهشی
- 146 5-3-نتیجه گیری

149 4-5- پیشنهادهای پژوهشی
150 5-5- محدودیتهای پژوهشی
152 منابع

فصل اول: کلیات تحقیق

1-1- بیان مساله:

در آغاز هزاره سوم شاید بیش از هر زمان دیگری، جوامع انسانی مفهوم انقلاب اطلاعاتی را درک می کنند، انقلابی که به واسطه آن مرزهای زمان و مکان درهم نوردیده و مفاهیم و معانی جدیدی متولد شده است؛ تحولات عظیم در حوزه تکنولوژی های نوین ارتباطی و صنایع اطلاعاتی؛ پیامدهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خاصی را در پی داشته که جنبه های مثبت و منفی را توأمان داراست. تکنولوژی های نوین ارتباطی، با بسط و گسترش بزرگ راه های اطلاعاتی و استفاده از امکانات ماهواره ای و کامپیوتری در جهان، اثرات قابل توجهی بر رفتارهای فردی و جمعی انسان ها گذاشته است. این اثرات به قدری برجسته و پررنگ است که توجه بسیاری از متفکران و اندیشمندان را به خود معطوف ساخته و نظرات متنوع و متعدد و گاه متناقضی را در این راستا بر انگیخته است (رحیمی، 1388).

از سویی حامیان فناوری اطلاعات¹ بر این باورند که فناوری، شیوه های زندگی آدمی را بهبود بخشیده و باید از فواید آن در تعلیم و تربیت بهره گرفت (ضرغامی و همکاران، 1386، ص 13). برای نمونه "برگمن" (1999) فناوری اطلاعات را در راستای بهبود روش های زندگی، یادگیری و کارها می داند. هم چنین اپل² و یانگ³ در اشاره به دیدگاه موافقان، علت اشتیاق به فناوری اطلاعات در عصر حاضر را، آزادی انتخاب اطلاعات در بهره گیری از فناوری اطلاعات می دانند؛ برای نمونه می توان به صدها کانال تلویزیونی، ارتباط میلیون ها انسان با هم، ارسال فوری گستره عظیمی از اطلاعات و بهره گیری از واقعیت مجازی برای یادگیری و تفریح اشاره کرد هافمن⁴ نیز اشاره دارد که، کاربرد بیش تر فناوری به یادگیری مشارکتی و آموزش انفرادی منجر می شود. بیگام و گرین نیز ورود فناوری های جدید به مدرسه را موجب خلق زمینه های جدید اجتماعی برای یادگیری می دانند (عطاران، 1383).

از دیگر سو دیدگاه انتقادی، فرصتی فراهم می کند تا درباره دستاوردهای مخرب و تاسف بار فناوری اطلاعات که نمود آن روابط نابرابر اجتماعی و اقتصادی و گسترش جهانی سرمایه داری و سلطه آن بر دنیا است به طور جدی فکر کنیم. نیل پستمن؛ جامعه شناس آمریکایی، تخریب فرهنگ، اخلاق، روابط اجتماعی، کانون خانواده و انهدام بشریت را ناشی از ذات تکنولوژی فوق مدرن و خصلت لجام گسیختگی و خوی سلطه طلبی بلامنزاعه فناوری اطلاعات می داند.

¹- Information Technology

²- Apple

³- young

⁴-Haffman

برای نمونه از جمله تحولاتی که ورود به جامعه پسا صنعتی به همراه داشته، تغییر مفهوم و جایگاه دانش است.

از نظر لیوتار¹، دانش ودانایی در مفهوم جدید دیگر در تقابل با جهل قرار ندارد و لذا دیگر از ارزش ذاتی برخوردار نیست؛ دانایی، علم و فناوری پیشرفته است؛ علمی که از حقیقت گسسته و به قدرت پیوسته و دانشی که باید به صورت اطلاعات صریح و روشن، قابل عرضه، قابل دستکاری و کاربردپذیر² به صورت کالا باشد، لذا هر چیزی که قابل برگردان (ترجمه) به شکل اطلاعات کمی و به زبان کامپیوتری نباشد، کنار گذاشته خواهد شد. در این وضعیت، اصل قدیمی تعلیم و تربیت حضوری در حال منسوخ شدن است (امینی، به نقل از رحیمی، 1387).

هم چنین شفلر برای این باور است که، کاربردهای تربیتی کامپیوتر اموری مسلم و مقدر نیستند (شفلر، ترجمه باقری، 1376). هم چنین آریر و آلن معتقدند که، فناوری های نوین قادر به حل مشکلات دانش آموزان نبوده و نمی باشند و یلیام فلام (به نقل از عطاران، 1383). فیلسوفان هستی نیز از منتقدین هستند. به نظر آن ها ظهور جامعه توده وار و جامعه تکنولوژیک سبب نوعی شخصیت زدایی می شود. آن ها معتقدند کسانی که، با جامعه صنعتی تکنولوژیک مرتبط هستند، بیشتر مانند قطعات فعال صنعتی رفتار می کنند تا فرد انسانی، و مدرسه به عنوان یک نظام، فقط به تولید فارغ التحصیلانی می پردازد که، ایفای نقش در جامعه را بر عهده بگیرند. آن ها ورود فناوری اطلاعات یا فناوری های آموزشی، که به منظو بالا بردن کارایی های آموزش در مجتمع های عظیم آموزشی است؛ را سبب فردیت زدایی می دانند. و در باره دیوان سالاری و تماس اندک بین معلم و شاگرد هشدار می دهند. آن ها سعی دارند که انسان ها را از قیود دنیای مقوله بندی شده وار هانند و بر ذهنیت انسان، آزادی فردی، و مسئولیت شخصی تاکید می کنند (گوتگ، ترجمه پاک سرشت، 1388).

افنسو³ و همکاران (2001 به نقل از احمدی و همکاران، 1388) نیز تحقیقی با عنوان رایانه و فن آوری های وابسته به آن و تاثیر آن ها بر تعاملات اجتماعی انجام داده اند و به این نتیجه رسیده اند که رایانه و فناوری وابسته به آن ممکن است تعاملات اجتماعی در خانه را تسهیل کند اما از سوی دیگر سبب احساس انزوا می شود. زیرا ارتباط رودر رو را کاهش می دهد و این عاملی برای احساس بیگانگی و تنهایی است.

¹-Lyotard

²-Performative

³-Affonso

با توجه به آن چه ذکر شد به نظر می آید؛ در باب فلسفه بهره گیری از فناوری اطلاعات در تربیت توافقی وجود ندارد؛ و اختلاف دیدگاه دیده می شود. ضرغامی (1386) در همین راستا به سه دیدگاه مدرنیسم، انتقادی و پست مدرنیسم، اشاره می کند:

دیدگاه مدرنیسم، فناوری اطلاعات را وسیله فکرآدمی می داند. حامیان این دیدگاه بر این باورند که، فناوری اطلاعات روش های زندگی، یادگیری و کارانسان هارا بهبود خواهد بخشید. اینان مشتاقانه به پیشرفت های عظیم فناوری اطلاعات از جمله، گسترش آزادی انتخاب اطلاعات، صدها کانال تلویزیونی، ارتباط میلیون ها انسان با هم، ارسال فوری گستره عظیمی از اطلاعات و واقعیت مجازی برای پژوهش و تفریح استناد کرده و معتقدند که، باید از دستاوردهای آن در تعلیم تربیت نیز بهره گرفت؛ دیدگاه انتقادی در تقابل با دیدگاه مدرنیسم معتقد است که، نگاه مدرنیسم به فناوری اطلاعات نادرست و تاسف بار است. بویه بررسی و تحلیل پیامدهای منفی و مخرب فناوری اطلاعات می پردازد. سرانجام دیدگاه پست مدرن، با در نوردیدن مرزهای سنتی، فراسوی ساختارهای ثابت و تقسیم بندی هایی چون سوژه و ابژه، جنسیت، طبقه اجتماعی و نژاد می رود و برای این منظور از شیوه هایی چون تفسیر مدد می گیرد. در این دیدگاه فناوری اطلاعات نیز در همین راستا به کار گرفته می شود.

هم چنان که اشاره شد یکی از بینش های فلسفی که پرسش هایی را به طور ضمنی یا صریح درباره نقش و جایگاه فناوری اطلاعات در تربیت مطرح کرده، نظریه انتقادی است. در این باره حتی امیدی (1390) پژوهشی را انجام داده است و اشاره هایی را برای بهره گیری از فناوری اطلاعات در تربیت را از دیدگاه چهار تن از فیلسوفان انتقادی یعنی هورکهایمر، آدرنو، مارکوزه و هابرماس استنتاج کرده است. خلاصه پژوهش آن است که دیدگاه های نظریه پردازان انتقادی تربیت را درباره فناوری اطلاعات و نقش آن در تربیت و به ویژه بحث های تخصصی آن ها را برای نمونه در بحث برنامه درسی پنهان، بررسی نکرده است.

در این زمینه دو تن از نظریه پردازان انتقادی که به رایه دیدگاه هایی نو در مورد مسایل تعلیم و تربیت عصر جدید پرداخته اند، اندیشمندان آمریکایی ژيرو و اپل می باشند. اپل دیدگاه های مهمی را در آموزش و پرورش پیشرفت گرای معاصر رایه نموده است (فتحی و اجارگاه، 1388). هم چنین ژيرو، یکی از نظریه پردازان انتقادی، منتقد فرهنگی و یکی از اندیشمندان است که پایه گذار تعلیم و تربیت انتقادی در ایالات متحده می باشد. او از آموزه ها و اصول نظریه

پردازان انتقادی مکتب فرانکفورت به ویژه مارکوزه، فریره و دیدگاه های تربیتی پیشرفت گرایی جان دیویی متاثر است (همان).

نظریه پردازان انتقادی معتقدند، دنیای جدید با تکیه بر خرد ابزاری وسیله رابه هدف تبدیل کرده است و این واژگونی وجه تمایز کل جهان مدرن است. تمدنی که ترتیبات و فعالیت هایش آن چنان عقلانی شده است که مانند قفس آهنین انسانیت را احاطه کرده، و آن را تعیین می کند لوویت (2006، به نقل از مصلح؛ گل یار، 1388). در همین راستا نظریه پردازان معاصر انتقادی، تکنولوژی را ابزاری در خدمت نظام سرمایه داری حاکم می دانند؛ آن ها بر این باورند که، رشد تکنولوژی باعث شده تا قدرت های جهانی بتوانند افکار و اعتقادات خود را در قالب هنر و فرهنگ تبلیغ کنند و توده های مردم را تابع بی چون و چرای اهداف خود نمایند. در راستای این هدف، استفاده از تکنولوژی به نظام سرمایه داری کمک می کند تا به طور کامل و مطلق عرصه خود آگاه و ناخود آگاه افراد را تحت نظارت و کنترل خود در آورد (آدورنو (1991، به نقل از مصلح؛ گل یار، 1388).

اپل نیز چنین بحث هایی را در قلمرو تعلیم و تربیت مطرح کرده است. به عقیده او پژوهش انتقادی به دنبال بررسی نابرابری ها، در حوزه دست یابی و استفاده از فناوری ها برای گروه های محروم است. به زعم او پژوهش های انتقادی در دو سطح صورت می پذیرد؛ در سطح اول فناوری اطلاعات هم چون محصولی مادی است که نابرابر توزیع شده و بنابراین باعث دست یابی غیر یکسان افراد و گروه ها می شود. در این سطح نقد فناوری آموزشی سیاسی و اقتصادی است؛ در سطح دوم چگونگی تنظیم و هدایت نو آوری های فناورانه، مثل فناوری اطلاعات، در جهت ظهور صورت هایی از دانش بررسی می شود که باعث ایجاد ساختارهای اجتماعی نابرابر و ظالمانه می شود. مباحث انتقادی در سطح دوم نقد جامعه شناسانه دانش است. بر اساس تصور رایج روشن گری، گسترش دانش تنها زمانی ممکن می شود که روابط قدرت متوقف شده باشد (اپل، 1995).

اپل و نیز ژيرو در پی گیری چنین نقدهایی و در فرایند باز اندیشی برنامه درسی، کار خود را با نقد برنامه درسی آغاز می کنند. به نظر آن ها برنامه درسی دارای دو وجه می باشد: یکی برنامه درسی عیان، متشکل از مهارت ها و موضوعات شناخته شده؛ و دیگری برنامه درسی پنهان، که در خفا ارزش ها و نگرش ها و رفتارها را شکل می دهد. برنامه درسی پنهان با تاکید بر رقابت، مصرف گرایی و حاکمیت خصوصی می کند، موجب تحکیم وضع موجود اجتماعی

واقتصادی می گردد (گوتک، ترجمه پاک سرشت، 1388). ژیروادعا می کند که، در مدارس فرایندی تحت عنوان سلطه آموزشی وجود دارد؛ سلطه آموزشی خود را از طریق برنامه درسی پنهان تحمیل می کند (ژیرو، 1997).

از نظر ژيرو نیز برنامه درسی پنهان مشتمل بر مجموعه ای از قواعد و موضوعات است که موجبات تحکیم قدرت را فراهم می کند و مشروعیت را به دانش آموزان انتقال می دهد (فتیحی و اجارگه، 1388).

لذا نظریه انتقادی که در عرصه فلسفه مطرح شد، برنامه انتقادی عادلانه ای است که بدون پذیرش هر گونه معیار جزمی به نقد تمام مسایل می پردازد و می توان در راستای فهم عمیق هر پدیده از جمله فناوری اطلاعات از آن مدد جست.

بنابراین فناوری اطلاعات با پیامدهای مثبت و منفی همراه بوده و گاهی به نوعی، از اعتبار برخی ارزش ها کاسته و در برخی زمینه ها با کمبودها، خلاء ها و چالش هایی مواجه است؛ و از سو دیگر به مدد منطق مقاومت که مدنظر نظریه پردازان معاصر انتقادی است همه پدیده ها از جمله فناوری اطلاعات قابل تفسیرند و در حین تفسیر می توان به رازهایی درباره آن های برد و زمینه ای برای فهم خاستگاه و مقاصد سلطه طلبانه پدیده ها و اقدام در جهت بهبود و اصلاح آن ها فراهم کرد. لذا نظریه انتقادی و دیدگاه مقاومت، امکان نقد و بازبینی پدیده فناوری اطلاعات را فراهم می کند.

تحقیقات نشان می دهد که، تحلیل فلسفی جدید نظریه پردازان انتقادی به خصوص دیدگاه مقاومت شرایط را برای تحلیل تمام جوانب مرتبط با تعلیم و تربیت مهیا ساخته و می تواند برای دست اندرکاران مسایل تربیتی کارساز باشد.

لذا محقق بر آن است که، در راستای شناسایی بحران های موجود و ریشه یابی آن ها با توجه به اندیشه های تربیتی منبعت از نظریه انتقادی، نگاهی دوباره به دلالت های تربیتی فناوری اطلاعات داشته باشد چراکه به نظر می رسد زمان آن فرا رسیده که ساختار و قالب تعلیم و تربیت معاصر با تیشه نقادی درهم ریخته شود و بافت آن با دید نقد و تحلیل بازنگری شود.

اما همان گونه که اشاره شد فناوری اطلاعات با ورود به عرصه های مختلف زندگی بشر تأثیرات عمیقی از خود به جای گذاشته است که، نقد و بررسی تمامی این زمینه ها در این مجال نمی گنجد

؛لذا مساله پژوهش حاضر این است که ،نخست به ماهیت فناوری اطلاعات(یعنی همان چیستی وچرایی بهره گیری از فناوری اطلاعات) درنظام آموزشی،از دیدگاه نظریه پردازان انتقادی معاصریعنی اپل وژیروپپردازد. و در این راه بویژه نقش فناوری اطلاعات در برنامه درسی پنهان و فرصت ها و چالش های موجود واکاوی و نقد خواهد شد دلیل چنین تاکیدی نیز توجه و تاکید این نظریه پردازان بر برنامه درسی پنهان است. یعنی این پژوهش سعی دارد تادریابد که،آیا براساس دیدگاه نظریه پردازان انتقادی به خصوص اپل وژیرو،منطق مقاومت می تواند جزیی از برنامه درسی پنهان گردد؟وبراساس دیدگاه نظریه پردازان انتقادی به خصوص اپل وژیرو، چگونگی بهره گیری مناسب از فناوری اطلاعات در تعلیم و تربیت تبیین خواهد شد.یعنی براساس این منطق،می توان رهنمودهایی رابرای سیاست گذاران آموزشی ومعلمان استخراج نمودیانه؟

1-2 اهداف پژوهش

هدف کلی اجرای این پژوهش بررسی فلسفه فناوری اطلاعات در تربیت از دیدگاه نظریه پردازان معاصر انتقادی تعلیم و تربیت با تاکیدبر برنامه درسی پنهان است که ،به همین جهت سعی در رسیدن به اهداف زیر را دارد.

1-تبیین فلسفه (چیستی وچرایی)بهره گیری از فناوری اطلاعات در تعلیم و تربیت با تأکید بر برنامه درسی پنهان از دیدگاه نظریه پردازان معاصرانتقادی تعلیم و تربیت.

2-تبیین استلزام های به کار گیری فناوری اطلاعات در برنامه های درسی از دیدگاه نظریه پردازان معاصر انتقادی تعلیم و تربیت.

1-3سوالهای پژوهش

برای رسیدن به اهداف موردنظر، پژوهش سعی در جواب دادن به سوالات زیر را دارد.

1-بر مبنای دیدگاه نظریه پردازان معاصر انتقادی تربیت،فلسفه(چیستی وچرایی)بهره گیری از فناوری اطلاعات در تعلیم و تربیت با تاکید بر برنامه درسی پنهان چیست؟

2-برمبنای دیدگاه نظریه پردازان معاصر انتقادی استلزامات به کارگیری از فناوری اطلاعات در برنامه درسی چیست؟

1-4 تعریف عملیاتی مفهوم ها:

فلسفه: منظور از فلسفه در این پژوهش همان چیستی و چرایی می باشد. واژه فلسفه از ریشه یونانی فیلسوفیا، یعنی دوستدار دانایی است و نشان می دهد که خاستگاه آن شوق و مقصد آن شناسایی یعنی رو کردن به ذات و حقیقت چیزها و کارهاست (نقیب زاده، 1374). پس فلسفه پرسیدن سوال های اساسی است در مورد ماهیت چیزها و پدیده ها، مثل ماهیت واقعیت، ماهیت معرفت و ماهیت ارزش که در این پژوهش منظور همان چیستی فناوری اطلاعات در تعلیم و تربیت و چگونگی بهره گیری از آن مد نظر است.

نظریه پردازان معاصر انتقادی تربیت: منظور از نظریه پردازان معاصر انتقادی تعلیم و تربیت، مایکل اپل و هنری ژیرو می باشند.

استلزام: یک سری رهنمود کلی که راهنمای عمل سیاست گذاران برنامه درسی و معلمان می باشد

برنامه درسی پنهان: والانس (1991، به نقل از حداد علوی، 1383). در دایره المعارف برنامه درسی برنامه درسی پنهان را چنین تعریف می کند: برنامه درسی پنهان به عملکردها و نتایج آموزشی اطلاق می شود که با وجود آشکار نبودن در رهنمودهای برنامه درسی یا سیاست های آموزش و پرورش بخش حتمی و موثر تجربه تحصیلی است .

در پژوهش حاضر منظور از برنامه درسی پنهان، همان معنایی است که اپل و ژیرو به این مفهوم می دهند که در فرایند پژوهش و به خصوص در فصل دوم چنین معنایی تبیین خواهد شد.

1-5 ضرورت و اهمیت انجام پژوهش

از مهم ترین مسایل اساسی بشر، مساله تعلیم و تربیت است؛ و در بین فلاسفه و اندیشمندان مختلف همواره به این امر مهم توجه شده است؛ در باب اهمیت مساله آموزش و پرورش همین بس که این مساله، از دیرباز مورد توجه و عنایت فلاسفه بزرگ و مربیان تربیتی جهان بوده است . از افلاطون که در نوشته های خود به تعریف تربیت پرداخته و تکلیف آدمی را در برابر روح و تن و فرزندان و خویشان وهم وطنانش مورد بررسی قرار داده و به تعلیم و تربیت کودکان از آغاز با جزییات کامل اشاره کرده است (فلاطون) (1337، به نقل از احمدی، 1390). تا فیلسوف بزرگ

عصر حاضر یعنی کانت که براین باور بود بشر تنها با تعلیم و تربیت، انسان تواند شد و آدمی جز آن چه تربیت از او می سازد نیست (کاردان، 1388). همگی به نوعی دغدغه بررسی مسایل تعلیم و تربیت را داشته اند.

از سوی دیگر ما شاهد حضور فناوری اطلاعات در ابعاد مختلف زندگی انسان ها هستیم، به طوری که عرصه های مختلف آن را دگرگون کرده است تا جایی که این تحول و دگرگونی بر تعلیم و تربیت نیز تاثیر گذارده است. در همین باره و در نگرش مدرن انسان ها در تلاش برای یادگیری واقعیت و تسلط بر حوزه های دانش به اطلاعات نونیز دارند و در این راه اطلاعات فقط ابزاری برای یادگیری و پیشرفت علمی است (باقری، 1381). چنین است که در این دیدگاه با نگرشی ساده انگارانه و سراسر خوش بینانه و برای مثال گفته می شود که با بهره گیری از فناوری اطلاعات می توان محیط های یادگیری آزاد طراحی کرد که تفاوت های فردی را در نظر بگیرد (ضرغامی، 1388).

در این راستا دیدگاه انتقادی در تقابل با دیدگاه مدرنیزم و با نظر به مشکلات ناشی از بی طرفی ارزشی این رویکرد در به کارگیری فناوری اطلاعات شکل گرفته است؛ و هدف آن این است، تا درباره دستاوردهای مخرب و تاسف بار فناوری اطلاعات تامل کنیم (ضرغامی، 1386). اشاره شد که ظهور فناوری اطلاعات و نفوذ آن در زوایای مختلف بشری، موجب بروز تحول شگرفی در مناسبات حاکم بر جامعه بشری شده است و ورود به این دوره و حضور فعال در آن مستلزم امکاناتی است که مهم ترین آن بستر سازی فرهنگی است که نخستین گام آن از لحاظ موضوع آموزش افزارهای فناوری اطلاعات در برنامه آموزش عمومی است، در جهت آشنا ساختن فراگیران با وجوه مختلف دانش و فناوری در زندگی فردی و اجتماعی، که سبب حصول تفکر انتقادی می گردد (منتظر 1381). هم چنین مارکوزه تاکید دارد که، هماهنگی میان فرد و جامعه اگر بر زمینه شکفتن و به کار آمدن آزادانه توانایی های فرد باشد با اهمیت خواهد بود و سودمند، و اگر برخلاف آن باشد ویران گر؛ ویران گر بودن آن، از آن جهت خواهد بود که هم رنگ شدن وی با جامعه به بهای فرو گذاردن چگونگی های فردی، غریزی و انسانی او و هم راهی و هم دستی با جامعه در سرکوب خویش است (نقیب زاده، 1390). هم چنین از نگاه نظریه پردازان انتقادی، علم و فناوری از یک جهت آزادی انسان را بسط می دهند؛ زیرا امکان سازگار شدن انسان را با محیط طبیعی و نیز حل مشکلات اجتماعی با راه حل های فناورانه فراهم می کنند، اما از سوی دیگر علم و فناوری آزادی انسان را محدود می کنند؛ و این هنگامی رخ می دهد که، راه حل های

مذکور به منزله تنها الگوهای مشروع برای تامل در باب مسائل علمی وهنجارین زندگی در نظر گرفته شود؛ و در این حالت "فن سالاری"¹ رخ داده است. و منطق عمل فناورانه به عرصه عمل ارتباطی بسط می یابد و علم و فناوری شکل تخریبی به خود می گیرد (باقری، 1381). با توجه به چنین پیامدهایی پژوهش انتقادی درباره نقش فناوری اطلاعات در تعلیم و تربیت اهمیت می یابد. دیدگاه انتقادی می خواهد فرد به وجودی فعال تبدیل شود که در عین هم راهی با جامعه می توان خلاف باورهای متعارف حرکت کند و راه حل های بدیع ارائه نماید و عاملیت خویش را در جامعه به منصف ظهور رساند؛ نه این که تحت عقلانیت ابزاری و فن گرایانه حرکت کند و فناوری اطلاعات، برایش تصمیم بگیرد؛ و ایدئولوژی های خود را بر او حاکم کند و به آدمی به منزله نگاه ارگانیک می توجه شود که اختیار و انتخاب را از او می گیرد.

در این میان نفوذ و گسترش فناوری اطلاعات تا جایی است که حتی فرد و روابط اجتماعی را نیز تحت تاثیر خود دارد و نمی توان آن را فقط به عنوان یک ابزار فنی دانست که هیچ ریشه بنیادینی در زندگی و تربیت ما ندارد (نشاط، 1382).

در همین راستا ژيرو و اپل در تلاش هستند که، زمینه را برای تقویت تفکر انتقادی در جامعه فراهم کنند. این نظریه پردازان انتقادی مدارس را در کانون مباحث و انتقادات خود قرار می دهند و از این که مدارس در طول تاریخ همواره در خدمت مشروعیت بخشی خواسته ها و انتظارات طبقات مسلط جامعه بوده اند ناخرسند بوده و بر این باورند که، مدارس بایستی نقش تحول آفرینی و دگرگون کردن ساختارهای موجود که به نفع عده ای خاص و به زیان اکثریت جامعه است را ایفا نمایند (فتیحی و اجارگاه، 1388). اپل اظهار می دارد که هم اکنون در دوران بسیار سختی بسر می بریم که واقعا به نوعی نظریه پردازی انتقادی نیاز داریم، دورانی که بی عدالتی و نابرابری را از لحاظ عاطفی، شناختی و سیاسی تجربه می کنیم. قدرت و توانمندی باعث خلق بستر اجتماعی شده است که به واسطه آن بسیاری از امور مهم وارونه و معکوس شده است ستم گر تبدیل به ستم دیده، حریم خصوصی مبدل به مکانی عمومی می شود و تلاش برای دموکراسی به عاملی مخرب برای گروه های ذی نفوذ می شود (فتیحی و اجارگاه، 1388).

اپل عملکرد نظام آموزشی در آمریکا را به عنوان موتور دموکراسی و برابری نمی داند و کارکرد عملی مدارس را بازتولید نابرابری اجتماعی تلقی می کند. این بیان به روابط بنیادی موجود

¹-Technocracy